

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز)

امیر تقی زاده^۱

محمدحسین بنی فاطمه^۲

توکل آقایی هیر^۳



10.22034/ssys.2024.3308.3415

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز به انجام رسید. روش پژوهش، پیمایش و جامعه آماری آن شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز بودند. حجم نمونه برابر با ۳۰۰ و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از روش‌های آماری در سطح توصیفی و استنباطی از روش همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره، آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه F استفاده شد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف مضمود است. بررسی همین ضریب همبستگی در مورد رابطه متغیر سرمایه اقتصادی با نگرش به ارزش فرزندان حاکی از آن است که بین دو متغیر رابطه معکوس و نسبتاً قوی وجود دارد. در نهایت بررسی رابطه بین مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان نیز حاکی از این است که بین دو متغیر رابطه معکوس مضمود است که این رابطه تنها در بعد کنترل وزن و تناسب اندام معنادار می‌باشد. در تحلیل چند متغیره نتایج حاکی از این است که مجموع متغیرهای مستقل وارد شده به مدل توانسته‌اند ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بررسی نتایج مربوط به تفاوت میانگین متغیر نگرش به ارزش فرزندان برحسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش نیز نشان می‌دهد میانگین نگرش به ارزش فرزندان برحسب متغیرهای وضعیت اشتغال و منطقه مسکونی متفاوت و معنادار می‌باشد. در مجموع با توجه به اینکه جامعه ایران همانند بسیاری از جوامع درحال توسعه تحت تاثیر مدرنیته و صنعتی شدن قرار دارد و با توجه به نقش سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در نگرش به ارزش فرزندان، جهت حفظ جوانی جمعیت و آینده کشور لازم است برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف به انجام برسد.

واژگان کلیدی: ارزش فرزند، باروری، جوانی جمعیت، تناسب اندام و سرمایه اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲ استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Banifatemeh1382@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه علوم اجتماعی و عضو گروه جامعه‌شناسی سلامت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

خانواده^۱ این روزها به شدت مورد توجه و مورد مطالعه است. در کشورهای توسعه یافته، تغییرات جاری خانواده به حدی است که برخی از «زوال خانواده» صحبت می کنند و برخی جهت ارائه چارچوبی برای مطالعه آن، اصطلاح «گذار جمعیتی دوم»^۲ را به کار می برند. در کشورهای در حال توسعه نیز در اثر تعامل عوامل و شرایط درونی با تأثیرات بیرونی، خانواده دچار تغییرات شده است و می رود تا به طور اساسی دگرگون گردد. در کشور ما نیز این روزها ضرورت توجه به خانواده و مطالعه آن به طور فزاینده ای احساس می شود. اغلب چنین فرض شده است که وقتی ساختارهای سنتی خانواده تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و اقتصادی در جهت جایگزینی با ساختارهای خانواده مدرن حرکت می کند، مجموعه جدیدی از اخلاقیات و ارزش های تازه در مورد باروری نیز جایگزین ارزش های قبلی می شود. به عبارت دقیق تر، خانواده مدرن با تولید مجموعه ای از ارزش ها و ایده آل های جدید، رفتارهای باروری زوجها را در جهت باروری پایین تر تغییر می دهد. اگرچه میزان باروری نمود عینی و آشکار باروری در سطح اجتماعی است، اما این نمود حاصل جمع تصمیم تک تک زنان، زوجین و خانواده هاست و مقوله فرزندآوری در حوزه خصوصی در سطح خرد صورت می گیرد (محمودی و صادقی، ۱۳۹۳: ۲).

مردم و به عبارتی دیگر جمعیت^۳، در مرکز توسعه پایدار^۴ قرار دارند و تأثیرگذار در امر توسعه خواهند بود. در دهه های اخیر، تعداد جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر نسبت به جمعیت جوان با شیب تندی روبه افزایش است (چشم اندازهای جمعیت جهان: بازبینی ۲۰۱۸، ۲۰۱۰: ۱-۱۰).

ارزش های خانوادگی^۵ متشکل از مجموعه پیچیده ای از ارزش های در هم متداخل از جمله: ارزش های ازدواج، همسرداری، فرزندآوری و ... است. در این بین، ارزش های فرزندآوری مقوله ای است که می تواند نقش مهمی در تغییرات سطوح باروری و به دنبال آن تغییرات رشد جمعیتی یک جامعه ایفا کند. مفهوم «ارزش فرزندان»^۶ مجموعه منافع هستند که والدین با داشتن فرزندان دریافت می کنند. ارزش فرزندان به دو دسته ارزش های مثبت و منفی تقسیم بندی می شوند. ارزش های مثبت فرزندان شامل منافع عاطفی، اقتصادی، کسب هویت، دستیابی به کمال و تداوم خانواده است و ارزش های منفی شامل هزینه های عاطفی، اقتصادی، خانوادگی، جسمانی و محدودیت ها و فرصت های

^۱ Family

^۲ The second demographic transition

^۳ populations

^۴ sustainable development

^۵ World Population Prospects: 2017 Revision

^۶ Family values

^۷ The value of children

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

از دست رفته است. ارزش فرزندان به عنوان مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل در تعیین تعداد فرزندان و تصمیم‌گیری والدین، در این باره نقش بسزایی دارند. ارزش‌های فرزندان را می‌توان از بررسی‌هایی که از نگرش‌های مثبت و منفی والدین نسبت به فرزندان دارند، شناسایی کرد. ارزش‌های فرزندان مطابق تحولات اقتصادی-اجتماعی هر جامعه تغییر می‌یابد. ارتقای مولفه‌های توسعه از جمله گسترش شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات زنان و به دنبال آن اشتغال بیشتر آنها علاوه بر آنکه ازدواج را افزایش داده، میل به فرزندآوری را در بین زنان کاهش داده است (مشفق و عشقی، ۱۳۹۱: ۹۴-۹۵).

چنانچه میزان باروری کل به میزان زیادی به زیر سطح جایگزین (دو فرزند به ازای یک زن) سقوط کند، نه تنها جمعیت سالخورده شده و شاخص وابستگی اقتصادی افزایش می‌یابد، دولت‌ها نیز به شدت درگیر مشکلاتی نظیر تامین نیروی کار فعال، بحران سازمان‌های بازنشستگی و نظام خدمات بهداشتی و درمانی می‌شوند (لی و ماسون^۱، ۲۰۱۴: ۲۲۹-۲۳۴). همچنین در طولانی‌مدت مسئله جانشینی نسلی نیز می‌تواند دچار مشکل شود.

در زمینه عوامل موثر بر نگرش به ارزش فرزندان به عوامل مختلفی می‌توان اشاره داشت. تحقیقات مختلفی به تاثیرگذاری متغیرهایی اعم از دینداری و جهت‌گیری مذهبی^۲ (مدیری، ۱۳۹۶؛ عباسزاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹؛ ساعی قره‌ناز، ۱۳۹۵)، رسانه و شبکه‌های اجتماعی^۳ (عباسزاده، ۱۳۹۸؛ سفیری و همکاران، ۱۳۹۶؛ دیلن و سینگ^۴، ۲۰۱۰؛ خاتون^۵، ۲۰۱۱؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۵)، تحصیلات، اشتغال و درآمد^۶ (هاشمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶؛ نقیب‌السادات و همکاران^۷، ۲۰۱۰؛ سیاه‌پوش و ارجمند، ۱۳۹۵)، سرمایه اجتماعی و فرهنگی^۸ (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵)، سبک زندگی^۹ (رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ پروینیان، ۱۳۹۷؛ سیاه‌پوش و ارجمند، ۱۳۹۵) و خانواده‌گرایی^{۱۰} (عباسزاده و همکاران، ۱۳۹۸) در نگرش و به فرزندآوری و ارزش فرزند اشاره داشته‌اند.

¹ Lee & Mason

² Religiosity and religious orientation

³ Media and social networks

⁴ Dhillon & Singh

⁵ Khatun

⁶ Education, employment and income

⁷ Naghibsadat

⁸ Social and cultural capital

⁹ life style

¹⁰ familism

از سوی دیگر، معنا و جایگاه ارزش فرزند، از چند دهه اخیر در ایران تغییر یافته و هر نسل از زنان برداشتی متفاوت از نقش و ارزش فرزند در خانواده دارند. این تغییر از آن جهت بوده است که خانواده در معرض تغییر و دگرگونی است. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است (اوجاقلو و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰۹). شهر تبریز یکی از شهرهای صنعتی ایران است که تحولات بسیاری را به لحاظ گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن تجربه کرده است و تغییرات ارزشی مطابق با این تحولات اجتماعی امری محتمل به نظر می‌رسد. ارزش فرزندان و نگرش به باروری نیز یکی از ارزش‌هایی است که تحت تاثیر این تحولات، تغییرات قابل مشاهده‌ای را داشته است. لذا این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوالات می‌باشد:

نوع نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز چگونه است؟ عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان کدام‌اند؟

ادبیات پژوهش

در مرور نظریات مطرح در حوزه فرزندآوری و به طور کلی تحولات مربوط به آن، هر یک از نظریه‌های مطرح از دیدگاه خاصی به این موضوع نگریسته‌اند و آن را تبیین می‌کنند. ارزش‌ها^۱ را می‌توان در زمره مهمترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست، چرا که تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه تغییر نکند، در آن جامعه تغییری مشاهده نخواهد شد. ارزش‌های اجتماعی دیرپا و ماندگارند و یک شبه تغییر نمی‌یابند. همانگونه که استقرار ارزش‌ها دیر زمانی طول می‌کشد، تغییر آنها و جایگزینی ارزش‌های جدید نیز به همین سیاق بوده است و به مرور زمان و به تدریج صورت می‌گیرد. در دهه‌های اخیر با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی همچون افزایش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه زمینه مساعدی برای بروز تغییراتی در ارزش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده ایرانی به وجود آمده است؛ به گونه‌ای که از روابط والدین و فرزندان تحت تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید قرار گرفته و دگرگونی‌هایی در آن پدید آمده است.

طبق «نظریه کلاسیک انتقال جمعیتی» (مدرنیزاسیون^۲) باروری در کشورهای توسعه‌یافته به لحاظ هزینه و منافع از اهمیت عمده‌ای برخوردار است. در این جوامع، فرهنگ و تحصیلات هر دو احتمال پذیرش اولیه ایده‌های جدید را فراهم می‌آورد. پس از آن، امیدها برای مصرف افزایش می‌یابد و همچنین شان اجتماعی زنان با اشتغال آنها

^۱ Values

^۲ Classical theory of demographic transition

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

در بیرون خانه افزایش یافته و افزایش هزینه‌های نسبی فرزندان را به همراه دارد. اگر در جامعه‌ای توسعه، نوسازی و ارزش‌های مربوط به آن وارد شود، افراد جامعه برای اینکه بخواهند از لذت‌های همراه نوسازی مانند اشتغال و تحصیلات بهره‌مند شوند یا در این جریان به فردگرایی و استقلال‌طلبی برسند و همچنین به دلیل اینکه زنان شاغل در بیرون از خانه نمی‌توانند باردار شوند و از فرزند خود مراقبت کنند، باروری خود را پایین می‌آورند و تا حدی مراقبت از فرزندان خود را به اقوام یا مراکز مراقبت از کودکان (نظیر مهدکودک‌ها) می‌سپارند. از سوی دیگر، بر طبق «نظریه گذار دوم جمعیتی»^۱ به دنبال ایجاد جنش‌های اجتماعی، آگاهی‌های جمعی به دنبال تکنیک‌های مدرن در آموزش عمومی و بهبود بهداشت که به جامعه‌ای وارد می‌شود افزایش می‌یابد که به دنبال آن منزلت اجتماعی زنان اهمیت پیدا می‌کند و در نتیجه ازدواج و باروری زود هنگام نیز دچار دگرگونی می‌شود؛ به طوری که جریان فردگرایی باعث تغییر نگرش نقش سنتی زنان به عنوان مادر و همسر شده و ایده‌آل‌های جدید در تضاد با باروری‌های بالا قرار خواهند گرفت و در نتیجه گرایش به باروری کمتر ایجاد و مولید محدود می‌شوند (ترابی و شیدایی، ۱۳۹۸: ۳۷).

«نظریه نوگرایی»^۲ گویای این است که نوسازی فیزیکی محیط و بازسازی اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی در جامعه‌های گوناگون می‌تواند تا اندازه‌ای میزان باروری را تغییر دهد و باعث شود روحیه آینده‌نگری و گرایش به زندگی همراه با آسایش و شادکامی، در اذهان مردم جاری گردد. این نظریه تأکید می‌کند که پیشرفت و توسعه و فناوری بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های عاطفی و ارزشی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تغییراتی در زمینه کاهش میزان مولید به وجود آورد. این چارچوب همچنین بر وابستگی متقابل افراد و تعامل اجتماعی آنها تأکید دارد و اینکه تغییرات در آگاهی و رفتارهای برخی افراد، دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (چمنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

در بین نظریه‌های اقتصادی، «نظریه لیبنشتاین» بر این فرض استوار است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که در تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد. وی در «نظریه هزینه و منافع فرزندان» معتقد است که در تحول از تولید خانوادگی به تولید سرمایه‌داری، بچه‌دار شدن به دلیل مخارج تحصیل و تربیت آنها کمتر و کمتر اقتصادی شده است. همچنین در اقتصادهایی که تورم، فشار شدیدی بر مردم فقیر و متوسط می‌آورد، ناتوانی در تغذیه کودکان، تهیه لباس و سایر تسهیلات برای والدین بار سنگینی است و فشار تورم مانع باروری است (کلانتیری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

به باور وی، منفعت یا عدم منفعت اقتصادی عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. از این رو، ایجاد تعادل بین رضایتمندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند زیربنای اصلی

^۱ The second demographic transition theory

^۲ Modernity

نگرش مردم در مورد تعداد فرزند است. به طور کلی، در مدل‌های اقتصادی، رفتار باروری برحسب خصوصیات اقتصادی و کارکرد فرزندان توضیح داده می‌شود. این والدین به‌خصوص پدران هستند که سبک زندگی و مقررات و ضوابط حاکم را در تمامی زمینه‌های حیاتی از جمله رفتار باروری و تنظیم خانواده مشخص می‌کنند (بگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۴).

از نظر بکر نیز فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است. بکر می‌گوید: همان طوری که خانواده‌ها در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند، در مورد داشتن فرزند نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. به باور بکر، حرکت اصلی باروری در جامعه را رفتارهای اقتصادی انسان دیکته می‌کند (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۷).

ارزش فرزندان، مفهومی است که مطابق تحولات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تغییر می‌یابد و به طور کلی، مجموعه چیزهای مثبت و منفی هستند که والدین با داشتن فرزند دریافت می‌کنند. از نظر فاوست، ارزش‌های خاص در نیازهای روان‌شناختی خاص قرار گرفته‌اند که به ساختارهای اجتماعی متصل شده‌اند و با تنوع فرهنگی و تغییرات اجتماعی مرتبط و تکمیل‌کننده برخی جنبه‌های پدر و مادرشان هستند. وی با توجه به مطالعات مقایسه‌ای، دسته‌بندی دیگری از ارزش عمومی مثبت و منفی فرزندان ارائه می‌دهد. وی مقوله‌های مربوط به ارزش‌های مثبت فرزندان را با عنوان ۵ مقوله منافع احساسی (خوشی و سرور در زندگی والدین و موضوع عشق و محبت و همدمی برای والدین)، منافع و امنیت اقتصادی (کمک در کارهای خانه، سهم داشتن در درآمد خانه، امنیت دوران پیری و)، تقویت و توسعه خود (تجربه بزرگ و تربیت کردن فرزندان، افزایش مسئولیت‌پذیری والدین، عضو کامل اجتماع پذیرفته شدن زوجین با داشتن فرزند)، کسب هویت با فرزندان (لذت بردن از تماشای رشد فرزندان، افتخار کردن به فضیلت و کمال فرزندان) و پیوستگی و تداوم خانواده (فرزندان فرجام طبیعی ازدواج، کمک به تقویت پیوند ازدواج زن و شوهر، ادامه‌دهنده نام خانوادگی) بیان کرده است. ارزش‌های منفی یا همان هزینه‌ها را نیز با ۵ مقوله هزینه‌های احساسی (نگرانی درباره سلامت فرزندان، رفتار فرزندان)، هزینه اقتصادی (هزینه‌های پوشاک، تحصیل و دیگر مخارج فرزندان)، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت از دست‌رفته (آزادی کمتر زندگی اجتماعی، زندگی حرفه‌ای و علائق شخصی)، مسائل خانوادگی (مشاجره زن و شوهر بر سر تربیت فرزندان، کم رنگ شدن روابط زن و شوهر) و زحمات (اضافه شدن کارهای خانگی، کم خوابی و خستگی و) سنجیده است (فاوست، ۱۹۷۴؛ برگرفته از هاشمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۷).

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

یکی از نظریه‌هایی که در تبیین رفتار باروری به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها و ترجیحات در رفتار اشاره کرده است، «نظریه لی‌وین و اسکریم‌شاور» است. در نظر این دو مولف، فرهنگ^۱ نظام سازمان‌یافته‌ای از معانی مشترک و رایج میان مردم است؛ مجموعه‌ای از مفروضات اساسی و تصوراتی که قوانین و عقاید را ایجاد می‌کند، اما مجموعه‌ای مفروضات اساسی و تصوراتی که قوانین و عقاید را ایجاد می‌کند و قابل تقلیل به آنها هم نیست. یک مدل فرهنگی شامل دو جنبه هستی‌شناسی و هنجاری است (دلالت‌هایی بر آنچه هست و آنچه که باید باشد) که به صورت کد نمادین واحدی برای افراد مشترک است. مفهوم مورد تاکید در این مدل‌ها، عقلانیت فرهنگی است. عقلانیت فرهنگی آشکار می‌سازد که مثلاً رفتار باروری در کدام موقعیت مجاز و در کدام موقعیت باید با محدودیت همراه باشد. برای یک جمعیت خاص، عقلانیت فرهنگی الگوی باروری شامل مجموعه‌ای از مفروضات فرهنگی است که بعضی از آنها منطقی (سازگار با شرایط واقعی) و برخی دیگر غیرمنطقی (منعکس‌کننده هنجارهای سنتی) هستند- اگرچه مردم همه آنها را در مجموع پذیرفته‌اند و فعالیت‌های مرتبط با باروری نظیر تولد، شیردهی، فاصله فرزندان، مراقبت از کودک و نظایر آن را شامل می‌شوند. به بیان دیگر، عنصر واسطه‌ای در اثرگذاری تعیین‌کننده‌های بلافصل و واسطه‌ای در نتیجه باروری است. مطالعه و شناخت محیط فرهنگی عاملان به عنوان بستر شکل‌گیری کنش و بررسی هنجارهای حاکم بر رفتار کنشگران، توضیح مناسبی از سازوکار عوامل موثر بر رفتار ارائه خواهد داد. لی‌وین و اسکریم‌شاور بر نقش هنجارهای فرهنگی تاکید می‌کنند و معتقدند که عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجاز و غیرمجاز رفتار باروری را تعیین می‌کند. از این رو، پیشنهاد می‌کنند که برای درک رفتار کنشگران باید محیط فرهنگی آنان و هنجارهای حاکم بر آن محیط را شناخت. بر همین اساس اگر محیط فرهنگی از طریق خویشاوندان و دوستان زن، او را تشویق به داشتن فرزند دیگر کنند، گرایش او به داشتن فرزند دیگر بیشتر از زنی است که هیچ تشویقی از نزدیکان و دوستان خود دریافت نمی‌کند و ترغیب به این کار نمی‌شود (صادقی و سرابی، ۱۳۹۵: ۷-۸).

به نظر بوردیو، انتخاب تحت تاثیر سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد قرار می‌گیرد. سرمایه اقتصادی به نظام تولیدی اشاره دارد که به مفهوم مارکسی سرمایه نزدیک است. سرمایه اجتماعی به شبکه آشنایان و روابط گروهی مربوط می‌گردد که فرد در درون آن قرار گرفته است و می‌تواند به نفع خود استفاده کند. مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری سبک زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدرک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد. به عبارتی، به فرد اجازه می‌دهد از طریق آن به منزلت دست یابد. سرمایه فرهنگی بر مبنای نظر بوردیو دو منبع دارد: نخست عادت‌واره‌ها در زندگی

^۱ Culture

خانوادگی؛ دوم تحصیلات. از دیدگاه بورديو، تحصیلات از جمله متغیرهای بسیار مهمی است که می تواند حتی جانشین عادت‌واره خانوادگی شود. بالاخره سرمایه نمادین که شامل کاربرد نمادهایی می گردد که فرد به کار می گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد (بورديو ۱۹۸۴، به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

به طور کلی سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار باشد. سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌ای اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می گردد، موثر واقع شود. اشکال گوناگون سرمایه که تحت کنترل کارگزاران گوناگون قرار دارند، شانس‌های برنده شدن در هر بازی را تعیین می کنند. گروه‌هایی که به بیشترین میزان سرمایه دسترسی دارند، در فضایی قرار می گیرند که بورديو آن را «میدان قدرت»^۱ می نامد. جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند، تعیین می کند. مجموع سرمایه‌های یک فرد است که به فرد اجازه می دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت بگیرد. در میان اشکال متفاوت سرمایه، سرمایه اقتصادی و فرهنگی مناسب ترین معیارهای تمایزگذاری را به منظور بساختن فضای اجتماعی در جوامع توسعه یافته فراهم می کنند. بنابراین موقعیت عاملان در فضای طبقات اجتماعی به حجم و ساختار سرمایه آنها بستگی دارد (بورديو، ۱۹۹۹؛ چمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۴۳). مفهوم دیگری که بورديو به آن اشاره دارد، مفهوم سبک زندگی است که وی سبک زندگی را در مطالعه اول، دارایی‌ای (کالاهای تجملی یا فرهنگی) می داند که افراد دور خود جمع کرده اند، مانند خانه، ویلا، ماشین، عطرها، لباس‌ها و ...؛ دوم، فعالیت‌هایی که با آن خود را متمایز نشان می دهند- ورزش‌ها، بازی‌ها و تفریحات (پیاده روی یا کوه پیمایی، اسکی یا سوارکاری، گلف یا تنیس)، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه بندی و ... (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۵).

از نظر گیدنز^۲ (۱۳۸۷) هر سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت گیری‌ها و بنابراین برخورداری از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود، از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را نیز تامین می کند. در حوزه مطالعات فرهنگی سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می شود و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. به عبارت دیگر، سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اجتماعی اشخاص در هر جامعه دارد و بیان کننده اغراض، نیت‌ها و تفاسیر فرد در رفتار روزمره و زندگی روزانه می باشد. بی تردید کاهش جمعیت در ایران، معلول عوامل متعددی است، ولی تاثیر مدرنیته و

^۱ Power field

^۲ Gidenz

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

نفوذ سبک زندگی غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایرانیان از عوامل مهم کاهش جمعیت در کشور است. فرهنگ غربی که بر پایه اعتقاد به انسان‌محوری بنا شده است، می‌کوشد این برداشت را در ذهن مردم ایجاد کند که برای خوشبختی و لذت بردن بیشتر از زندگی باید اعضای خانواده را محدود کرد و این کار با کنترل باروری و کاهش زاد و ولد محقق می‌شود (جوکار و صفوریایی پاریزی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۲).

«نظریه منزلت اجتماعی»^۱ میزان باروری در هر خانواده و جامعه را مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می‌داند. خانواده با پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به عنوان یک عضو داراست، به فرزندآوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث حرکت صعودی خانواده می‌شود، آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزندآوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خانواده بداند، آن را به طرق مختلف کنترل می‌کند (چمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

پیشینه تجربی پژوهش

با بررسی مطالعات در حوزه فرزندآوری و نگرش نسبت به ارزش فرزندان در جامعه امروزی، می‌توان گفت در راستای موضوع مد نظر تحقیقات متعددی در داخل و خارج کشور به انجام رسیده است که بررسی نتایج آنها در امر انتخاب متغیرها و همچنین ارائه دیدگاهی جامع به محقق امری مفید به نظر می‌رسد.

براتی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «سرمایه فرهنگی و باروری: مطالعه‌ای در میان زنان ازدواج‌کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر رشت» به بررسی دلایل ذهنی نرخ پایین باروری پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که بین سرمایه فرهنگی و تمامی ابعاد آن و رفتار باروری رابطه معنادار و معکوس حاکم است و با افزایش سرمایه فرهنگی، میزان باروری کاهش می‌یابد. براین اساس، امروزه اگرچه عوامل ساختاری در باروری نقش دارند، نگرش‌ها، سلايق، ارزش‌ها و در نتیجه انتخاب‌ها نیز مهم هستند و نیاز به ایجاد هماهنگی در انتظارات ذهنی و موقعیت عینی خانواده‌ها وجود دارد.

تقوایی فرد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تاثیر آن بر نگرش آنها نسبت به باروری (مورد مطالعه: زنان در سنین باروری شهر جهرم)» به بررسی این موضوع در بین ۴۰۰ نفر از زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله ساکن در شهرستان جهرم پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که متغیر مدیریت بدن و بعد مدیریت ظاهر بدن و تناسب اندام بر نگرش زنان نسبت به باروری موثر است. درواقع مدیریت ظاهر بدن تاثیر بیشتری داشته و میزان تبیین آن ۰/۱۵۴ می‌باشد.

^۱ Social status

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «نقش دینداری، خانواده‌گرایی، رسانه‌های نوین و بازاندیشی مدرن در نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان متاهل ۱۸-۴۹ ساله» به بررسی عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر نگرش به فرزندآوری در بین زنان و مردان متاهل شهر تبریز پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین خانواده‌گرایی، دینداری با نگرش به فرزندآوری همبستگی مستقیمی وجود دارد و بین بازاندیشی مدرن، میزان استفاده از اینترنت و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با نگرش به فرزندآوری همبستگی معنادار معکوس وجود داشت.

هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر شیراز)» به بررسی این نگرش در بین ۴۰۰ نفر از زنان ۱۵-۴۹ سال ساکن در شهر شیراز پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان شامل ارزش اقتصادی، هزینه فرصت از دست رفته، تقویت و توسعه خود، کسب هویت با فرزندان، تداوم خانواده با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است. بین متغیرهای تحصیلات و سن ازدواج با ارزش‌های منافع اقتصادی، منافع احساسی، تقویت و توسعه خود و تداوم خانواده رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. هر چه سن زن و شوهر افزایش می‌یابد، درک زنان از منافع اقتصادی داشتن فرزند بیشتر می‌شود. برای زنانی که درآمد خانوادگی بیشتری دارند، منافع اقتصادی، تداوم خانواده، توسعه و تقویت خود و کسب هویت با فرزندان اهمیت کمتری دارد. حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است. به طور کلی در جامعه مدرن، تغییر مقوله‌های ارزش فرزندان از مفهوم سنتی آن وجود دارد و زنان فرزندان را کالایی اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌دانند که داشتن آن احساس مطلوبیت برای فرد ایجاد می‌کند و ارضاکنده ارزش‌های غیرمادی است و والدین حاضرند با وجود کاهش منافع عینی و کارکردی، داشتن فرزند را تجربه کنند.

کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران)» دریافتند که متغیرهای بررسی‌شده حدود ۱۶ درصد از تغییرات نگرش در مورد فرزندآوری را تبیین می‌کنند. همچنین براساس تحلیل مسیر، در بین متغیرهای مورد بررسی مهمترین متغیر اثرگذار بر نگرش در مورد فرزندآوری، متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۲۹ بوده است و بعد از آن، متغیرهای شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی نهادی و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به ترتیب بیشترین سهم را در نگرش زوجین شهر تهران در مورد فرزندآوری دارند. همچنین متغیر مصرف محصولات فرهنگی به عنوان یک متغیر مبانی اثرگذار بر متغیر وابسته بیشترین تاثیرپذیری را از سایر متغیرها داشته است.

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

ارجمند سیاپوش و برومند (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تاکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)» به بررسی این موضوع در بین ۲۴۰ نفر از زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال شهر اندیمشک پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین ترجیح جنسی و گرایش به فرزندآوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین پیروی از سنت‌ها، میزان تحصیلات، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اما بین مولفه‌های سبک زندگی (اوقات فراغت، مصرف کالای فرهنگی و مدیریت بدن) با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه معناداری وجود ندارد.

رسول‌زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)» به بررسی این موضوع در بین ۳۸۴ نفر از دانشجویان این دانشگاه پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی (اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای) و گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار معکوسی وجود دارد، اما بین استفاده از رسانه‌های داخلی و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری مشاهده نشد. بین سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) و سبک زندگی سنتی با گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار مثبت و بین سبک زندگی مدرن و گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. علاوه بر این، از میان متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، مقطع تحصیلی، وضعیت شغلی و گروه قومی) تنها رابطه بین وضعیت شغلی و قومیت با گرایش به فرزندآوری معنادار شد.

پوررحیم (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «ارزش فرزندان از دیدگاه زوجین و رابطه آن با باروری و تنظیم خانواده (مطالعه موردی شهرستان بهشهر)» دریافت که سن ازدواج با ارزش فرزندان رابطه معنادار دارد. محدودیت و فرصت‌های از دست رفته مانند فرصت اشتغال، درآمد، تحصیلات بالاتر، تفریحات و به دلیل داشتن فرزند برای زنان بیش از مردان است و میزان تحصیلات در ارزش‌گذاری فرزند موثر است و با تعداد مطلوب فرزندان رابطه معکوس دارد.

برگر و دسره^۱ (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی تاثیر مذهب و تحصیلات در باروری در جنوب صحرای آفریقا» به بررسی نقش مذهب و تحصیلات در رفتارهای باروری زنان آفریقایی جنوبی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که مذهب در رفتارهای باروری زنان تاثیر نداشته است، اما در مقابل رفتارهای باروری زنان با تحصیلات مختلف، متفاوت بوده است.

¹ Berge & Dasre

تینتلن و استولپ^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تبیین عدم قطعیت در ترجیحات باروری زنان» به بررسی تمایلات باروری زنان و تغییرات آن پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که در ترجیحات باروری زنان نگرش شریک زندگیشان به فرزند بسیار تاثیرگذار است. یافته‌ها حاکی از این است که زوجین بیشتر تمایل به کاهش ترجیحات باروری خود هستند و این تحت تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و محل زندگی می‌باشد.

کلارک و لپیتر^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «یک آزمایش طبیعی در مورد ناامنی شغلی و ایالات متحده: شرایط اقتصادی ساختاری و عدم اطمینان اقتصادی درک شده»، به این نتیجه رسیدند که عدم امنیت شغلی و اقتصادی بر احتمال والدی‌گری اثر نمی‌گذارد، اما بر احتمال داشتن فرزندان بیشتر و اندازه خانواده اثرگذار است.

هپکرافت^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه تفاوت‌های جنسیتی با تعداد فرزندان در آمریکا» به این نتیجه رسیده است که بین درآمد مردان و تعداد فرزندان آنها رابطه‌ای مثبت و قوی وجود دارد و این رابطه در تمام مقاطع تحصیلی صدق می‌کند؛ به این معنا که با بالا رفتن درآمد مردان، فارغ از سطح تحصیلات آنها تعداد فرزندان آنها افزایش می‌یابد.

برگبوم و همکاران^۴ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «اولین تجربه بارداری زنان از بدن خود در دوران آغازین حاملگی» که به شیوه کیفی و از طریق مصاحبه با ۱۲ زن باردار انجام شد، به این نتیجه رسیدند که مقوله‌های اصلی استخراج شده از مصاحبه‌ها: ۱-عطش بدن و حس ابهام، ۲-مردد بودن، ۳-مردد بودن، ۳-استقبال از تغییرات در بدن و ذهن، ۴-احساس قدرت درونی و تلاش برای یافتن قدرت، ۵-پذیرش ذهن و بدن و تجربه از بارداری زنان بر حسب این مقوله‌ها متفاوت می‌باشد.

مودنا و همکاران^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «امنیت اقتصادی و تمایل به باروری» نشان دادند که بی‌ثباتی شغلی زنان، تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند اول را به میزان قابل توجهی به تاخیر می‌اندازد و رابطه منفی معناداری بین عدم امنیت اقتصادی خانوار و تعداد فرزندان وجود دارد.

لپگارد و همکاران^۶ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی در باروری» که در بین مردان نروژی به انجام رسید، دریافتند که بی‌فرزندی در بین مردان با سطح تحصیلات پایین بیشتر و در بین مردان با سطح تحصیلات عالی کمتر است. همچنین این مطالعه نشان داد بالاتر بودن تعداد فرزندان مردان با تحصیلات عالی

¹ Tintelen & Stulp

² Clark & Lepinteur

³ Hopcroft

⁴ Bergbom et al.

⁵ Modena et al.

⁶ Lappegard et al.

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

از طریق متغیرهایی از جمله توانایی برای تامین اقتصادی فرزندان، چشم‌انداز شغلی، امنیت شغلی و انعطاف‌پذیری شغلی قابل توضیح است.

گودمن و کپلی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «تاثیر عملکرد مدرسه بر ازدواج و موفقیت درازمدت در باروری ۱۰۰۰ مرد و زن سوئدی متولد ۱۹۲۹-۱۹۱۵» به این نتیجه رسیدند که سطح تحصیلات پایین‌تر احتمال داشتن تعداد فرزندان و نوادگان کمتر را افزایش می‌دهد که تا حد زیادی به واسطه کاهش احتمال ازدواج مردان با تحصیلات کمتر به علت موقعیت اقتصادی-اجتماعی پایین توضیح داده می‌شود.

بوهلر^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «ارزش ساختاری فرزندان و تصمیمات آن برای باروری مطلوب در بلغارستان» به بررسی عوامل موثر در تصمیمات افراد در باروری پرداخت. نتایج این تحقیق حاکی از این است که باروری پیامدهایی دارد که به تغییرات خواسته یا ناخواسته در شبکه‌های اجتماعی افراد و روابط مبادله‌ای آنها منجر می‌شود.

کلین و اکهارد^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های آموزشی، ارزش کودکان و نتایج باروری در آلمان» نشان دادند در بین زنان با تحصیلات بالاتر درک ارزش غیرمادی فرزندان اهمیت بیشتری دارد و در مقابل جنبه‌های مطلوب اقتصادی مانند امنیت دوران پیری کمتر اهمیت دارد. زنان با تحصیلات پایین، تمایل بیشتری برای تشکیل خانواده نشان می‌دهند و درک ارزش غیرمادی فرزندان برای آنها کمتر اهمیت دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب مذکور در این پژوهش محقق در پی بررسی فرضیه‌های زیر می‌باشد:

- بین سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مدیریت بدن و ابعاد آن و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Goodman, A., & Koupil

² Buhler

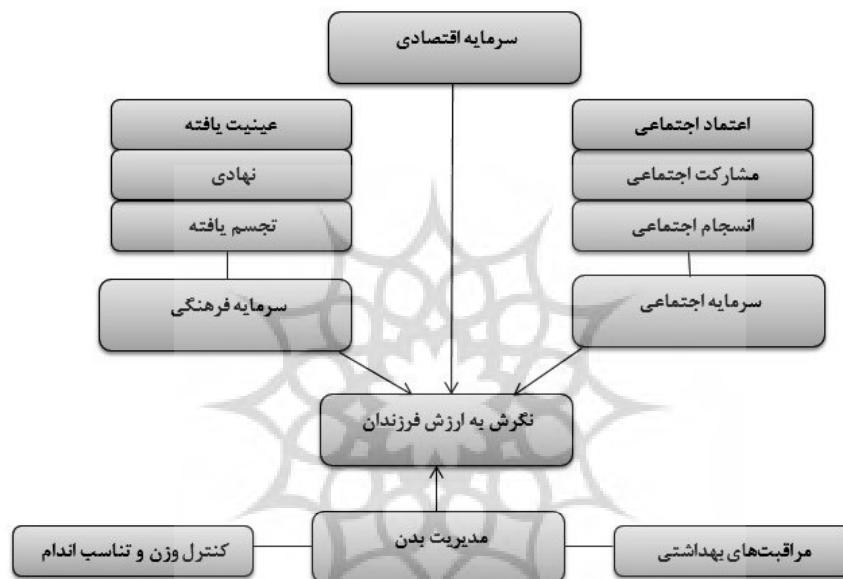
³ Klein & Eckhard

- میانگین نگرش به ارزش فرزندان برحسب متغیرهای وضعیت اشتغال، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی متفاوت و معنادار می‌باشد.

مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به مطالب یاد شده در بخش ادبیات پژوهش و فرضیه‌های استخراج‌شده، مدل تحلیلی تحقیق به

شرح زیر می‌باشد:



شکل ۱: مدل تحلیلی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، روش مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایشی از نوع مقطعی و نوع پژوهش نیز کاربردی و واحد تحلیل نیز فرد (شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز) بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه شهروندان ساکن در شهر تبریز بودند- که طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ به انجام رسیده است، ۲۷۵۵۳۵۸ نفر می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران، ۳۰۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای شامل سؤالاتی درباره هر کدام از متغیرهای مستقل و همچنین متغیر وابسته بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. برای تعیین پایایی گویه‌های

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

متغیرهای تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ بهره‌گیری شد که مقدار آن برای هریک از متغیرها در جدول ۱ درج شده و در حد قابل قبول می‌باشد:

جدول ۱: جدول میزان پایایی و اعتبار متغیرهای تحقیق

نام متغیر	عامل‌ها و تعداد گویه‌های مورد سنجش	آلفا	kmo
ارزش فرزندان	۸ عامل (منافع احساسی، هزینه‌های احساسی، کسب هویت با فرزندان، تداوم خانوادگی، تقویت و توسعه خود، هزینه‌های اقتصادی، منافع اقتصادی، محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست‌رفته) داشتن مدرک معتبر در رشته‌های هنری، داشتن مدرک معتبر در تعمیر وسایل الکترونیکی، داشتن مدرک معتبر در جوشکاری و تراشکاری، مسلط بودن به یک یا چند زبان خارجی، رفتن به سینما در طول سال، رفتن به تئاتر در طول سال، رفتن به موزه در طول سال، رفتن به نمایشگاه هنری در طول سال، رفتن به کنسرت در طول سال، خرید کتاب‌های غیردرسی در طول سال، خرید آثار هنری از قبیل تابلو، مجسمه یا آثار هنری در طول سال	۰/۸۲۷	۰/۷۵۷
سرمایه فرهنگی	تلاش در کمک به افراد نیازمند، داشتن روابط صمیمی با اطرافیان، داشتن دوستانی از سایر اقوام و زبان‌ها، دوست بودن با افراد سایر مذاهب، داشتن حمایت عاطفی از سوی فامیل و بستگان در صورت به وجود آمدن مشکلات، شرکت در هیئت‌های عزاداری، مشارکت در جمع‌آوری اعانه به افراد نیازمند، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، قرض دادن پول به افراد نیازمند، عدم اعتماد به افراد در این دوره و زمانه، عدم اعتماد به افراد دیگر به غیر از خانواده، عدم اعتماد به وعده‌های مسئولان جامعه، عدم وجود افرادی در جامعه که بتوان روی حرفشان حساب باز کرد	۰/۷۲۸	۰/۷۴۶
سرمایه اجتماعی	متوسط درآمد ماهانه خانواده، تعداد املاک شخصی (خانه، مغازه، قطعه زمین)، ارزش تقریبی املاک شخصی (خانه، مغازه، قطعه زمین)، تعداد وسیله نقلیه (ماشین سواری، وانت، اتوبوس، مینی بوس، موتور، دوچرخه)، ارزش تقریبی وسایل نقلیه (ماشین سواری، وانت، اتوبوس، مینی بوس، موتور، دوچرخه)	۰/۶۹۶	۰/۶۵۲
سرمایه اقتصادی	استحمام روزانه، اصلاح روزانه صورت، اصلاح یا آرایش روزانه مو، استفاده روزانه از عطر یا ادکلن، زیربغل، استفاده روزانه از کرم‌های مرطوب‌کننده و ضد عرق، استفاده روزانه از کرم‌های ضد آفتاب، انجام ورزش‌های بدن‌سازی و تناسب اندام، کنترل وزن با انجام ورزش و رژیم غذایی، کنترل وزن با استفاده از دارو، انجام ورزش‌های هوازی (پیاده‌روی، یوگا و...)، استفاده از سونا و جکوزی	۰/۶۵۴	۰/۶۱۰
مدیریت بدن		۰/۸۵۲	۰/۸۰۰

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

الف- ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

در بررسی توزیع فراوانی پاسخگویان در متغیرهای زمینه‌ای پژوهش می‌توان گفت در متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو بیشترین فراوانی مربوط به قشر خانه‌دار (۲۴ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به قشر بیکار (۷ درصد) می‌باشد. در بررسی نتایج مربوط به منطقه مسکونی پاسخگویان بیشترین فراوانی مربوط به منطقه ۵ (۲۴ درصد) و بیشترین فراوانی مربوط به منطقه ۶ (۲ درصد) است. در نهایت بررسی نتایج مربوط به متغیر وضعیت طبقه اقتصادی پاسخگویان نیز نتایج حاکی از این است که بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که خود را متعلق به طبقه متوسط به بالا (۴۲ درصد) می‌دانند و کمترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که خود را متعلق به طبقه بسیار بالا (۱ درصد) می‌دانند.

جدول ۴: توصیف آماره‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	طبقات	فراوانی	درصد فراوانی
وضعیت اشتغال	کارمند دولتی	۳۶	۱۲
	کارمند بخش خصوصی	۳۱	۱۰
	شغل آزاد	۶۱	۲۰
	بازنشسته	۲۱	۷
	دانشجو	۵۵	۱۸
	خانه‌دار	۷۱	۲۴
	بیکار	۲۰	۷
	بی‌جواب	۶	۲
منطقه مسکونی	کل	۳۰۰	۱۰۰
	منطقه ۱	۴۳	۱۴
	منطقه ۲	۴۲	۱۴
	منطقه ۳	۲۷	۹
	منطقه ۴	۳۰	۱۰
	منطقه ۵	۷۰	۲۴
	منطقه ۶	۶	۲

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

منطقه ۷	۱۱	۴
منطقه ۸	۲۵	۹
منطقه ۹	۱۳	۴
منطقه ۱۰	۳۳	۱۱
کل	۳۰۰	۱۰۰
بسیار پایین	۱۴	۵
پایین	۳۳	۱۱
متوسط به پایین	۷۴	۲۵
متوسط به بالا	۱۲۶	۴۲
بالا	۳۷	۱۲
بسیار بالا	۳	۱
بی جواب	۱۳	۴
کل	۳۰۰	۳۰۰

طبقه اقتصادی

در جدول ۳، اطلاعات توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش آمده است. این جدول دربرگیرنده کمینه و بیشینه پاسخ‌ها، میانگین و انحراف استاندارد پاسخ‌های ارائه شده می‌باشد:

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین درصدی
ارزش فرزندان	۹۶	۲۴۶	۱۷۸/۵۰۳۳	۲۵/۶۲۷۸۴	۷۲
سرمایه اجتماعی	۴۲	۷۸	۵۹/۵۴۳۳	۸/۰۲۲۲	۷۶
سرمایه فرهنگی	۱۱	۶۰	۲۹/۹۲۶۷	۹/۴۲۰۷۵	۴۵
سرمایه اقتصادی	۳	۱۸	۶/۶۸۰۳	۳/۵۶۵۰۷	۲۰
مدیریت بدن	۱۵	۷۲	۴۱/۴۹۰۰	۱۲/۴۲۵۱۶	۱۷

جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین ارزش فرزندان در بین پاسخگویان ۷۲ درصد، سرمایه اجتماعی ۷۶ درصد، سرمایه فرهنگی ۴۵ درصد، سرمایه اقتصادی ۲۰ درصد و مدیریت بدن ۱۷ درصد می‌باشد که حاکی از این است که میانگین ارزش فرزندان و سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. در مقابل میانگین سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و مدیریت بدن پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

یافته‌های استنباطی پژوهش

بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

در بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با توجه به سطح سنجش متغیرهای پژوهش از آزمون‌های آماری متناسب استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح سنجش متغیرهای مستقل و نگرش به ارزش فرزندان فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بهره‌گیری شد. نتایج این بررسی در جدول ۴ تا ۷ آمده است:

جدول ۴: میزان ضریب همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۳۸۱**	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۲۶۱**	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۳۲۷**	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۲۰۳**	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۴ در بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه مثبت و نسبتاً قوی با ضریب همبستگی (۰/۳۸۱) وجود دارد که با توجه به سطح معناداری مشاهده شده (۰/۰۰۰) این رابطه در سطح معناداری ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. به عبارتی دیگر، با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد، میزان اهمیت و ارزش فرزندان نیز افزایش پیدا می‌کند. در بررسی رابطه بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بعد مشارکت اجتماعی بیشترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته (۰/۳۷۱) دارد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. در مقابل، بعد اعتماد اجتماعی با ضریب همبستگی (۰/۲۰۳) دارای کمترین میزان همبستگی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. در بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به اینکه سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۵ آمده است:

جدول ۵: میزان ضریب همبستگی بین سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۱۸۵**	۰/۰۰۱
سرمایه فرهنگی عینی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۱۱۱	۰/۰۵۵
سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۲۰۸**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی نهادی و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۰۴۱	۰/۴۸۴

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان با توجه به نتایج مندرج در جدول ۵ می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/185$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه فرهنگی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

در بررسی نتایج مربوط به همبستگی متغیر سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه مثبت ($0/111$) وجود دارد که با توجه به میزان سطح معناداری به دست آمده ($0/055$) این رابطه معنادار نیست؛ میزان همبستگی بین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نگرش به ارزش فرزندان نیز نتایج حاکی از این است که بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/208$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/000$) وجود دارد. در نهایت در بررسی رابطه بین بعد نهادی سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/041$) وجود دارد که با توجه به سطح معناداری گزارش شده این رابطه معنادار ($0/484$) نمی‌باشد.

در بررسی رابطه بین سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به اینکه سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۶ درج شده است:

جدول ۶: میزان ضریب همبستگی بین سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان	$-0/314$	$0/000$

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶ می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و نسبتاً قوی ($-0/314$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه اقتصادی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

در نهایت در بررسی رابطه بین مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به اینکه سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۷ آمده است:

جدول ۷: میزان ضریب همبستگی بین مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۰۸۶	۰/۱۳۸
مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۰۱۹	۰/۷۳۹
کنترل وزن و تناسب اندام و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۱۲۷*	۰/۰۲۸

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان با توجه به نتایج مندرج در جدول ۷ می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (-۰/۰۸۶) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان مدیریت بدن افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند. اما با توجه به سطح معناداری گزارش شده در حالت کلی این رابطه معنادار نمی‌باشد.

در بررسی نتایج مربوط به همبستگی بعد استفاده از لوازم بهداشتی و آرایشی و نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (۰/۰۱۹) وجود دارد که با توجه به میزان سطح معناداری به دست آمده (۰/۷۳۹) این رابطه معنادار نیست. میزان همبستگی بین بعد کنترل وزن و تناسب اندام و نگرش به ارزش فرزندان نیز نتایج حاکی از این است که بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (-۰/۱۲۷) در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۲۸) وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هر چه میزان دقت پاسخگویی به کنترل وزن و تناسب اندام افزایش پیدا می‌کند، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

بررسی تفاوت میانگین متغیر وابسته بر حسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

از جمله متغیرهای زمینه‌ای پژوهش که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر وضعیت اشتغال، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی پاسخگو می‌باشند. با توجه به اینکه سطح سنجش متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو، منطقه مسکونی اسمی چند حالتی و طبقه اقتصادی رتبه‌ای چند حالتی و سطح سنجش نگرش به ارزش فرزندان فاصله‌ای می‌باشد، مناسب‌ترین آزمون جهت بررسی میزان تفاوت میانگین، آزمون تحلیل واریانس یک طرف F می‌باشد که نتایج در جدول ۸ درج شده است:

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

جدول ۸: نتایج آزمون تفاوت میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی

نام متغیر	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
وضعیت اشتغال	بین گروهی درون گروهی کل	۸۸۶/۱۵۹۹۴ ۴۵۴/۱۶۰۷۱۰ ۳۴۰/۱۷۶۷۰۵	۶ ۲۸۴ ۲۹۰	۲۶۶۵/۸۱۴ ۵۶۵/۸۸۲	۴/۷۱۱	۰/۰۰۰
منطقه مسکونی	بین گروهی درون گروهی کل	۱۸۰۸۱/۸۴۳ ۷۴۲۸۲/۴۹۷ ۹۲۳۶۴/۳۴۱	۸ ۲۱۷ ۲۲۵	۲۲۶۰/۲۳۰ ۳۴۲/۳۱۶	۶/۶۰۳	۰/۰۰۰
طبقه اقتصادی	بین گروهی درون گروهی کل	۶۵۰۶/۷۸۲ ۱۶۴۲۲۸/۸۲۳ ۱۷۰۷۳۵/۶۰۴	۵ ۲۷۷ ۲۸۲	۱۳۰۱/۳۵۶ ۵۹۲/۸۸۴	۲/۱۹۵	۰/۰۵۵

با بررسی نتایج مندرج در جدول ۸ باید گفت در بررسی نتایج مربوط به تفاوت میانگین میزان ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو، نتایج حاکی از این است که میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال متفاوت ($f=4/711$) و در سطح پدیده ۹۹ درصد معنادار (۰/۰۰۰) می باشد. در بررسی نتایج مربوط به منطقه مسکونی پاسخگو نیز نتایج حاکی از این است که میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر منطقه مسکونی متفاوت ($f=6/603$) و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار (۰/۰۰۰) می باشد. در نهایت در بررسی نتایج مربوط به متغیر طبقه اقتصادی نیز نتایج حاکی از این است که میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر طبقه اقتصادی متفاوت نمی باشد.

با توجه به اینکه میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیرهای وضعیت اشتغال پاسخگو و منطقه مسکونی متفاوت است، در مرحله بعد جهت بررسی این نکته که این تفاوت در بین کدام گروه ها معنادار می باشد، از آزمون تعقیبی LSD استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۹ آمده است:

جدول ۹: نتایج آزمون LSD میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو

نام مسئول	وضعیت اشتغال پاسخگو
طاقات	کارمند دولتی
کارمند دولتی	کارمند بخش خصوصی
کارمند بخش خصوصی	بازنشسته
شغل آزاد	دانشجو
بازنشسته	خانه دار
دانشجو	بیگار
خانه دار	
بیگار	

نتایج مندرج در جدول ۹ نشان می‌دهد میانگین نگرش به ارزش فرزندان در بین افرادی که شغل آنها کارمند بخش دولتی است با افرادی که وضعیت شغلی آنان کارمند بخش خصوصی و شغل آزاد است متفاوت و معنادار می‌باشد؛ میانگین نگرش به ارزش فرزندان افرادی که کارمند بخش خصوصی هستند با افراد کارمند دولت، دانشجو و

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

بیکار متفاوت، افراد دارای شغل آزاد با کارمند دولتی، دانشجو و بیکار، افراد بازنشسته با دانشجو، دانشجو با کارمند خصوصی، شغل آزاد و بازنشسته و خانه‌دار، خانه‌دار با دانشجو و در نهایت میانگین نگرش به ارزش فرزندان افراد بیکار با میانگین نگرش به ارزش فرزندان کارمند بخش خصوصی و شغل آزاد متفاوت و معنادار می‌باشد.

در بررسی نتایج همین آزمون مربوط به متغیر منطقه مسکونی نیز با توجه به نتایج آزمون LSD می‌توان گفت میانگین نگرش به ارزش فرزندان در بین افراد ساکن در منطقه ۱ با افراد ساکن در مناطق ۴ و ۸، میانگین افراد ساکن در منطقه ۲ با افراد ساکن در مناطق ۴، ۸ و ۹، میانگین افراد ساکن در منطقه ۳ با افراد ساکن در منطقه ۴، ۸ و ۹، میانگین افراد ساکن در منطقه ۴ با افراد ساکن در منطقه ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۶ با افراد ساکن در مناطق ۴، ۸ و ۹، میانگین افراد ساکن در منطقه ۷ با افراد ساکن در منطقه ۴، ۸ و ۹، ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۸ با افراد ساکن در مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، میانگین افراد ساکن در منطقه ۹ با افراد ساکن در مناطق ۲، ۳، ۶، ۷ و در نهایت میانگین افراد ساکن در منطقه ۱۰ با میانگین افراد ساکن در مناطق ۲، ۳، ۶، ۷ متفاوت و معنادار می‌باشد. گفتنی است که با توجه به طولانی بودن نتایج آزمون LSD مربوط به متغیر منطقه مسکونی در این بخش از مقاله از بیان جدول مربوطه اجتناب گردید.

تحلیل چند متغیره

در این پژوهش جهت انجام تحلیل چند متغیره، از روش رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. پس از بررسی پیش‌فرض‌های رگرسیونی و انجام رگرسیون چند متغیره نتایج حاکی از این است که متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی وارد مدل شده‌اند و در مجموع توانسته‌اند ۳۰ درصد از تغییرات مربوط به متغیر نگرش به ارزش فرزندان را تبیین کنند و مابقی واریانس تبیین نشده متاثر از متغیرهای دیگری است که در مدل تحقیق آورده نشده‌اند.

جدول ۱۰: نتایج ضرایب رگرسیونی چندگانه و تبیین‌کننده‌های ارزش فرزندان

همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون
۰/۵۵۸	۰/۳۱۲	۰/۳۰۵	۱/۸۳

با توجه به مقدار سطح معنی‌داری جدول ۱۰ می‌توان گفت مدل رگرسیونی ایجاد شده مدل معناداری است. به عبارتی دیگر، مدل رگرسیونی ایجاد شده از سه متغیر مستقل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و یک متغیر وابسته مدل خوبی می‌باشد و متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۱۱: نتایج آزمون رگرسیونی چندگانه مربوط به متغیرهای تبیین کننده ارزش فرزندان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۵۴۳۴/۴۹۶	۳	۱۸۴۷۸/۱۶۵		
باقیمانده	۱۲۲۴۷۵/۰۴۲	۲۹۲	۴۱۹/۴۳۵	۲۴/۰۵۵	۰/۰۰۰
کل	۱۷۷۹۰۹/۵۳۷	۲۹۵			

با توجه به ضرایب b جدول ۱۲ می توان گفت مقدار ضریب b متغیر سرمایه اجتماعی (۱/۲۹۰) می باشد. به عبارتی دیگر، به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی، ۱/۲ افزایش در میزان نگرش به ارزش فرزندان به وجود می آید که این افزایش معنی دار (۰/۰۰۰) می باشد. متغیر سرمایه اقتصادی نیز با مقدار ضریب b (۲/۰۳۷-) حاکی از این است که به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر سرمایه اقتصادی، میزان نگرش به ارزش فرزندان در پاسخگویان به میزان ۲/۰- کاهش پیدا می کند که این کاهش معنی دار (۰/۰۰۰) می باشد. متغیر سرمایه فرهنگی نیز با مقدار ضریب b (۵/۵۰۵-) حاکی از این است که به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر سرمایه فرهنگی، میزان نگرش به ارزش فرزندان در پاسخگویان به میزان ۵/۰- کاهش پیدا می کند که این کاهش معنی دار (۰/۰۰۰) می باشد. همچنین با توجه به میزان بناهای مندرج در جدول ۱۲ می توان گفت به ترتیب متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین (۰/۴۲۲) و متغیر سرمایه فرهنگی کمترین (۰/۲۷۰) سهم را در تبیین متغیر وابسته داشته اند.

جدول ۱۲: ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی نگرش به ارزش فرزندان

منبع تغییرات	Beta	B	T	سطح معنی داری	Tolerance	Vif
عرض از مبدا		۱۱۶/۸۷۹	۱۲/۴۵۹			
سرمایه اجتماعی	۰/۴۲۲	۱/۲۹۰	۸/۴۰۳	۰/۰۰۰	۰/۹۳۵	۱/۰۶۹
سرمایه اقتصادی	-۰/۲۷۰	-۲/۰۳۷	-۵/۴۳۱	۰/۰۰۰	۰/۹۵۳	۱/۰۴۹
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۹۳	-۰/۵۰۵	-۳/۸۸۷	۰/۰۰۰	۰/۹۵۸	۱/۰۴۳

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان به انجام رسیده است. نتایج بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان نشان می دهد در بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان می توان گفت بین دو متغیر رابطه مثبت و نسبتاً قوی با ضریب همبستگی (۰/۳۸۱) وجود دارد که با توجه به سطح معناداری مشاهده شده (۰/۰۰۰) این رابطه در

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

سطح معناداری ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. به عبارتی دیگر، با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد، میزان اهمیت و ارزش فرزندان نیز افزایش پیدا می‌کند. در بررسی رابطه بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بعد مشارکت اجتماعی بیشترین میزان همبستگی و بعد اعتماد اجتماعی کمترین میزان همبستگی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان را دارند.

در این زمینه باید گفت بورديو یکی از افرادی است که به نقش سرمایه اجتماعی در انتخاب و کنش‌های افراد اشاره دارد. سرمایه اجتماعی دال بر دارایی‌های جمعی دارد که کنش را تسهیل می‌کند و افراد را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهد. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و آن را چنین تعریف می‌کند که سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای به نسبت پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند. پاتنام نیز در مورد سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید و از دید وی، سرمایه اجتماعی به خصوصياتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید. این نتیجه همسو با نتایج تحقیقات افرادی همچون رسول-زاده و همکاران (۱۳۹۵)، برناردی و کلتر (۲۰۱۴)، ساکو و کلاس (۲۰۰۲)، بوهرلر (۲۰۰۹) می‌باشد که در تحقیقات خود به نقش سرمایه اجتماعی در نگرش به ارزش فرزندان و فرزندآوری اشاره داشته‌اند.

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (-0.185) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد (0.001) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه فرهنگی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند. لی‌وین و اسکریم شاور به نقش فرهنگ و هنجارها در رفتار افراد اشاره داشته‌اند. لی‌وین و اسکریم شاو بر نقش هنجارهای فرهنگی تاکید می‌کنند و معتقدند که عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجاز و غیرمجاز رفتار باروری را تعیین می‌کند. اینان معتقدند که برای درک رفتار کنشگران باید محیط فرهنگی آنان و هنجارهای حاکم بر آن محیط را شناخت. بورديو نیز دسترسی به فرهنگ و داشته‌های ارزشمند فرهنگی را همچون یک سرمایه می‌داند که سود و منافع لازم از جمله برخورداری از تحصیلات بالا و نیز امکان بازتولید اجتماعی را فراهم می‌آورد. به نظر وی، سرمایه فرهنگی درون یک فضای اجتماعی پخش شده است و سپس از طریق میراث انتقال می‌یابد و در نهایت به صورت فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که افرادی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند با توجه به اینکه در میدان‌های بیشتری با دیگران قرار دارند، پیوندهای اجتماعی بیشتری هم با دیگران دارند. در نتیجه نگاه فرد به فرزندآوری و ارزش فرزند متاثر از سرمایه فرهنگی وی نیز می‌تواند باشد. در دنیای امروز که افراد رغبت بیشتری

برای پیشرفت دارند، ممکن است وجود فرزند مانع دسترسی آنان به این مهارت‌ها شود و در نتیجه به موازات شهرنشینی و صنعتی شدن و اشاعه ارزش‌های جدید، نگرش‌ها و باورهای افراد به فرزند و فرزندآوری نیز قابل تغییر است. این نتیجه همسو با نتایج تحقیقات کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶)، براتی و همکاران (۱۴۰۰) و کلین و اکهارد (۲۰۰۷) می‌باشد که در تحقیقات خود به نقش معکوس سرمایه فرهنگی در فرزندآوری اشاره داشته‌اند.

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و نسبتاً قوی ($-0/314$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه اقتصادی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

در این زمینه لېنشتاین معتقد است که منافع اقتصادی در فرزندآوری موثر است و در حالت کلی، منفعت یا عدم منفعت اقتصادی باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. ایجاد نوعی تعادل بین رضایت‌مندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی نگرش والدین در مورد تعداد فرزندان است. از نظر بکر نیز فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است. بکر می‌گوید: همان طوری که خانواده‌ها در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند، در مورد داشتن فرزند نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. از نظر وی، تحصیلات بیشتر، از طریق بالا بردن سطح درآمد و موقعیت بهتر در بازار کار باروری را افزایش می‌دهد. همچنین ورود نیز به نقش سرمایه اقتصادی به عنوان یک مولفه‌ی تاثیرگذار در کنش‌های انسانی اشاره دارد. این یافته همسو با نتایج تحقیقات شاهنوشی و سامی (۱۳۸۸)، پوررحیم (۱۳۸۰)، کلارک و لېنتر (۲۰۲۰)، هاپکراف (۲۰۱۴) و مودنا و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد که این محققین در پژوهش‌هایی که به انجام رسانده‌اند به نقش سرمایه اقتصادی و درآمد در میزان باروری و ارزش فرزند اشاره داشته‌اند.

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/086$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/138$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان مدیریت بدن افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند. همچنین ضریب همبستگی بین بعد کنترل وزن و تناسب اندام مدیریت بدن در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. در این زمینه می‌توان گفت که از یک طرف باروری و فرزندآوری با بدن زنان در ارتباط است و تغییرات زیستی و ظاهری را در بدن آنها موجب می‌شود و در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع چنین تصور می‌شود که حاملگی اختلالاتی در کنترل بدن ایجاد و تغییراتی را در اندازه و شکل بدن ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، بدن و مدیریت آن، راهی برای هویت‌یابی در دوران مدرن به حساب می‌آید. گیدنز معتقد است که زنان به طور ویژه‌ای براساس ویژگی‌های جسمانی و ظاهریشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند و احساس شرمساری آنها نسبت به بدن خود رابطه مستقیم با انتظارات اجتماعی دارد.

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

همچنین هنجارهای اجتماعی در مورد زنان به میزان بیشتری بر جذابیت جسمانی تاکید دارد. دوم اینکه تصویر مطلوب یک زن، تصویر لاغر اندام است تا عضلانی و سوم هر چند زنان نسبت به گذشته در عرصه اجتماعی فعال تر شده اند، ولی به همان اندازه که براساس موفقیت هایشان مورد قضاوت قرار می گیرند، براساس وضعیت ظاهری و جسمانی شان ارزیابی می شوند. این یافته همسو با نتایج تحقیقات تقوایی فرد و همکاران (۱۳۹۹) و برگوم و همکاران (۲۰۱۷) می باشد که در تحقیقات خود به نقش مدیریت بدن و تناسب اندام در رفتارهای باروری و ارزش و اهمیت فرزندان اشاره داشته اند.

در بررسی نقش متغیرهای زمینه ای پژوهش که در این تحقیق نقش متغیرهای وضعیت اشتغال، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی بررسی شده است، نتایج تحقیق حاکی از نقش موثر متغیرهای وضعیت اشتغال و منطقه مسکونی در نگرش به ارزش فرزندان دارد. این یافته همسو با نتایج تحقیقات هاشمی نیا و همکاران (۱۳۹۶)، ارجمند سیاپوش و برومند (۱۳۹۵)، رسول زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵) و پوررحیم (۱۳۸۰) می باشد که به نقش این متغیرها در رفتارهای باروری و ارزش فرزندان اشاره داشته اند.

با توجه به نتایج تحقیق به نظر می رسد جامعه ایران مثل تمامی جوامع در حال توسعه تحت تاثیر دنیای مدرن و صنعتی شدن قرار گرفته و به نوعی سرمایه های اجتماعی و فرهنگی جدیدی را به وجود آورده و همین عوامل باعث تغییر در نگرش به ارزش فرزند شده است. در این راستا به نظر می رسد که با تقویت حمایت های دولتی از زوج های جوان و تقویت برنامه های حمایتی در راستای جوانی جمعیت، افزایش حمایت های اجتماعی و فرهنگی هم از سوی دولت هم از سوی خانواده ها، تشویق زوجین به فرزندآوری با استفاده از ارائه تسهیلات بلندمدت، افزایش مرخصی های بعد زایمان برای زنان شاغل و ارائه طرح های حمایتی در راستای نگهداری فرزندان زنان شاغل در مراکز اداری و آموزشی می توان اقدامات موثری را در زمینه ارتقای ارزش فرزندان در جامعه و تشویق زوجین به فرزندآوری برداشت.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و ضیاءپور، آرش. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه شناختی تاثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن (مطالعه تجربی جوانان شهر گیلان غرب)». فصل نامه جامعه شناسی کاربردی. شماره ۱، صص ۱۲۲۵-۱۴۸.
- اوجاقلو، سجاد و سرایی، حسن. (۱۳۹۳). «مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)». فصل نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. سال ۳، شماره ۲، صص ۲۴۸-۲۶۱.
- براتی، طوبی؛ کنتاعی، محمد امین و عباداللهی چندانق، حمید. (۱۴۰۰). «سرمایه فرهنگی و باروری (مطالعه ای در میان زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر رشت)». فصل نامه انجمن جمعیت شناسی ایران. سال ۱۶، شماره ۳۱، صص ۱۵۹-۱۹۱.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. مرتضی مریهبا. تهران: انتشارات نقش و نگار

فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان / شماره: ۶۶ / زمستان ۱۴۰۳

- بورديو، پير. (۱۳۸۱). **نظريه کنش**. مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار
- پوررحيم، محمدرضا. (۱۳۸۰). «ارزش فرزندان از دیدگاه زوجین و رابطه آن با باروری و تنظیم خانواده (مطالعه موردی: شهرستان بهشهر)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پی‌یر، بورديو. (۱۳۹۰). **تمايز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی**. حسن چاوشیان. چاپ اول، تهران: نشر ثالث
- ترابی، فاطمه و شیدانی، رضا. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل موثر بر گرایش زنان ۱۵-۴۹ ساله ساکن شهر تهران به فرزندآوری کمتر». فصل‌نامه مطالعات زن و خانواده پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا. دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۱-۶۳.
- تقوایی فرد، لیلا؛ کریمی، مجید رضا؛ راسخ، کرامت‌اله. (۱۳۹۹). «بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تاثیر آن بر نگرش آنها نسبت به باروری (مورد مطالعه: زنان در سنین باروری شهر جهرم)». فصل‌نامه زن و جامعه. سال ۱۱، شماره ۳، صص ۴۷-۶۶.
- تقوایی فرد، لیلا؛ کریمی، مجید رضا و راسخ، کرامت‌اله. (۱۳۹۸). «تاثیر مصرف رسانه‌ای بر نگرش زنان به فرزندآوری در شهر جهرم». دو فصل‌نامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. سال ۸، شماره ۱۵، صص ۶۷-۸۷.
- جواکر، محبوبه و صفوراپی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «مدرنیت، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران». پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده. سال ۲، شماره ۲، صص ۳۹-۶۹.
- چمنی، سولماز؛ شکرپیگی، عالیّه و مشفق، محمود. (۱۳۹۵). «مطالعه تعیین‌کننده جامعه‌شناختی فرزندآوری (موردکاوی: زنان متأهل شهر تهران)». فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۷-۱۶۵.
- رسول‌زاده‌اقدم، صمد؛ افشار، سیمین؛ عدلی‌پور، صمد. میرمحمدتبار، سید احمد. (۱۳۹۵). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)». فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۰۷-۱۳۵.
- ساعی قره‌ناز، مرضیه؛ ازگلی، گیتی؛ حاجی‌زاده، فهیمه؛ شیخان، زهره؛ نصیری، ملیحه و جان‌نثاری، شراره. (۱۳۹۵). «ارتباط جهت‌گیری مذهبی با قصد فرزندآوری و تعداد فرزندان موجود و مطلوب از نظر زنان شاغل در مراکزهای منتخب شهر تهران». فصل‌نامه پژوهش در دین و سلامت. دوره ۳، شماره ۱، صص ۹۰-۷۹.
- سفیری، خدیجه؛ کمالی، افسانه و فرجی، الهه. (۱۳۹۶). «بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند (مطالعه زنان شهر ایلام)». فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۱۰۹-۸۵.
- سیاه‌پوش ارجمند، اسحق و ناهید، برومند. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تاکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی: زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)». فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال ۶، شماره ۲۱، صص ۹-۲۴.
- شاهنوشی، مجتبی و اعظم، سامی. (۱۳۸۸). «بررسی تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستای شهرستان سمیرم». فصل‌نامه جامعه‌شناسی. دوره ۵، شماره ۳، صص ۷۵-۹۶.
- صادقی، حنانه سادات و سرایی، حسن. (۱۳۹۵). «عوامل موثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران». فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. سال ۷، شماره ۲۷، صص ۱-۳۲.
- طاووسی، محمود؛ مطلق، محمد اسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ حائری مهریزی، علی اصغر؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی. (۱۳۹۴). «فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی». فصل‌نامه پایش. سال ۱۴، شماره ۵، صص ۵۹۷-۶۰۵.
- عباس‌زاده، محمد؛ آقایی‌ری، هیر، توکل؛ علی‌زاده اقدم، محمد باقر و عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۸). «نقش دینداری، خانواده‌گرایی، رسانه‌های نوین و بازاندیشی مدرن در نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان متأهل ۱۸-۴۹ ساله». نشریه پایش. سال ۱۸، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۸۲.

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان

- عباسی شوازی، محمد جلال؛ محمودیان، حسین؛ صادقی، رسول و قربانی، زهرا. (۱۳۹۷). «تاثیر جهت‌گیری‌های ارزشی-نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال ۱۳، شماره ۲۶، صص ۳۷-۶۶.
- قربانی، فائزه؛ گلمکانی، ناهید و شاکری، محمد تقی. (۱۳۹۵). «ارتباط استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به فرزندآوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد: مطالعه مقطعی». فصل‌نامه زنان و مامائی و نازایی ایران. دوره ۱۹، شماره ۱۹، صص ۱۵-۲۴.
- کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن و جهانبخش گنجه، صادق. (۱۳۹۶). «تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه شهر تهران)». فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۹-۱۴۳.
- کرمی فقی، محمد تقی و زادسر، زینب. (۱۳۹۲). «سنجش بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی (مطالعه موردی: زنان ۲۰ ساله و بیش‌تر ساکن شهر تهران)». فصل‌نامه فرهنگ و هنر. شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۱.
- کلانتری، صمد؛ بیک محمدی، حسن و زارع شاه‌آبادی، اکبر. (۱۳۸۴). «عوامل جمعیتی موثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۴». فصل‌نامه پژوهش زنان. سال ۳، شماره ۱۲، صص ۱۳۷-۱۵۶.
- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق و راکعی بناب، ندا. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متأهل شهر تبریز)». فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره پیاپی (۳۷)، صص ۸۳-۱۰۴.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). «تجدد و تشخیص در جامعه جدید». ناصر موفقیان. تهران: نی
- محمودی، سید جواد و صادقی، حنا، سادات. (۱۳۹۳). «تاثیر ارزش فرزندان بر گرایش به داشتن فرزند دیگر در شهر تهران». فصل‌نامه جمعیت، شماره ۸۷ و ۸۸، صص ۱-۲۰.
- مدیری، فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی مقایسه‌ای تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران». فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. سال ۸، شماره ۳۲، صص ۱۷۱-۲۰۲.
- مدیری، فاطمه؛ تنها، فاطمه و گیلانی، نرجس. (۱۴۰۰). «تعیین‌کننده‌های اقتصادی-اجتماعی قصد و رفتار فرزندآوری در مردان شهر تهران». فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۱۲۳-۱۱۲۷.
- مدیری، فاطمه و رازقی نصرآباد، حبیبه‌بی‌بی. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۶۲.
- مشفق، محمود و غریب عشقی، سارا. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی». فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۹۳-۱۲۰.
- هاشمی‌نیا، فاطمه؛ رجبی، ماهرخ و احمدی، علی‌یار. (۱۳۹۶). «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر شیراز)». فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره پیاپی (۶۷)، شماره ۳، صص ۶۱-۷۸.
- Abu Sadat Nurullah, MA. (2012). "RECEIVED AND PROVIDED SOCIAL SUPPORT: A REVIEW OF CURRENT EVIDENCE AND FUTURE DIRECTIONS". American journal of health studies, No. 27(3):173-188.
- Adsera A. (2006). Differences in Desired and Actual Fertility: An Economic Analysis of the Spanish Case. Review of Economics of the Household, Vol. 4, No. 1, and pp.75-95.
- Bachrach, C.A. & Morgan, S.P. (2011). Further reflections on the theory of planned behavior and fertility research. Vienna Yearbook of Population Research, 9: 71-74. doi: <https://www.jstor.org/stable/41342805>. [link]
- Beck, U & Beck- Gernsheim, E. (1995). The Normal Chaos of Love. Cambridge: Polity Press
- Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002). Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence. London: sage.

- Beck, U. (1992). **Risk Society: Toward a New Modernity**. London: Sage Publication.
- Bergbom, I., Modh, C., Lundgren, I., & Lindwall, L. (2017). **"First time pregnant women's experiences of their body in early pregnancy"**. Scandinavian journal of caring sciences, 31(3), 579-586.
- Berge, Hoel, Dasre b, Aurelien (2024). **"Religious affiliation, education, and fertility in sub-Saharan Africa"**. Journal of World Development, 184: 1-32.
- Bernardi, Laura & Klarner, Andreas. (2014). **"Social networks and fertility"**. Journal of Population Sciences, No 30; pp. 641-670.
- Buhler, Christoph. (2009). **"On the Structural Value of Children and Its Implication on Intended Fertility in Bulgaria"**. Demography Research, No 18: 569-610.
- Chan, R. (2007). **"Family at-Risks: the risks and its management in Hong Kong"**. The 4th Annual East Asian Social Policy Research Network International Conference University of Tokyo, Tokyo, Japan
- Clark, A. E., & Lepinteur, A. (2020). **"A Natural Experiment on Job Insecurity and the United States: Structural economic conditions and perceived economic uncertainty"**. Demographic Research, 36 (51), 1549-1600. Doi: 10.4054/ DemRes. 2017.36.51.
- Dhillon, P., Singh, L. L. (2010). **"Time varying and unvarying factors affecting ideal and actual family size in North India"**. Received from ppa2010. princeton.edu/download. aspx.
- Fawcett, J. (1974). **"The Value of Children in Asia and The United States"**. East- West population Institute, No. 32.
- Fawcett, J.T. (1972). **"The Satisfaction and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods"**. Hawaii, East-West Center.
- Fuse, K. (2013). **"Daughter preference in Japan: A reflection of gender role attitudes?"** Demographic Research, 28(36), 1021- 1052.
- Gilbert M. Talaue, Ali AlSaad, Naif AlRushaidan, Alwaleed AlHugail, Saad AlFahhad. (2018). **"The Impact of Social Media on Academic Performance of Selected College Students"**. International Journal of Advanced Information Technology (IJAIT) Vol. 8, No.4/5: 27-35.
- Goldstein, J., Lutz, W. & Testa, M. R. (2003). **"The emergence of sub-replacement family size ideals in Europe"**. Population research and policy review, 22(5), 479-496.
- Goodman, A., & Koupil, I. (2010). **"The Effect of School Performance upon Marriage and Long-term Reproductive Success in 10,000 Swedish Males and Females Born 1915-1929"**. Evolution and Human Behavior, No. 6: 425-435.
- Gunther, I. and Harttgen, K. (2016). **"Desired Fertility and Number of Children born across time and space"**. Demography, 53 (1): 55-83.
- Henz, U. (2008). **"Gender Roles and Values of Children Childless Couples in East and West Germany"**. Demographic Research, 19(39), 1451-1500.
- Hoffman, L. W. & Hoffman, M.L. (1973). **"A psychological perspective on the value of children to parents"**. In J. T. Fawcett (ed.) *The Satisfaction and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods*. Hawaii: EastWest Center.
- Hoffman, L.W., A. Thornton, and J. Dm, Manis. (1978). **"The Value of Children to Parents in the United States"**, Journal of Population, Vol. 1(2).
- Hopcroft, R. L. (2015). **"Sex Differences in the Relationship between Status and Number of Offspring in the Contemporary US"**, Evolution and Human Behavior, No. 2: 146-151.
- Khatun, T. (2011). **"Desired and actual fertility in Bangladesh: The role of mass media and social interactions"**. Erasmus University.
- Klaus, D., Suckow, J., Nauck, B. (2007). **"The Value of Children in Palestine and Turkey: Differences and the Consequences for Fertility"**. Current Sociology, 55(4): 527-544.

- Klein, T., Eckhard, J. (2007). "Educational Differences, Value of Children and Fertility Outcomes in Germany". *Current Anthropology*, 55(4): 505-525.
- Kreyenfeld, M.R. (2005). "Economic Uncertainty and Fertility Postponement Evidence from German Panel Data". MPIDR Working Paper WP 2005-034, <http://www.demogr.mpg.de/papers/working/wp-2005-034.pdf>.
- Lappegard, T., & Marit, R. (2011). "Socioeconomic Differentials in Multi-Partner Fertility among Men". Discussion Papers Statistics Norway, Research Department 653.
- Lee R, Mason A. (2014). "Is low fertility really a problem? Population aging, dependency, and consumption". *Science*, 346 (6206): 229-234.
- Lindsey, L. L. (2015). *Gender Roles: A Sociological Perspective*, Boston, MA: Prentic Hall.
- Lutz W, Skirbekk V, Rita Testa M. (2006). "The Low-Fertility Trap Hypothesis: Forces that May Lead to Further Postponement and Fewer Births in Europe". *Vienna Yearbook of Population Research*, Vol. 4: pp. 167-192.
- Miller, W. B., Jones, J., & Pasta, D. J. (2016). "An implicit ambivalence-indifference dimension of childbearing desires in the National Survey of Family Growth". *Demographic Research*, 34, 203–242
- Mills, M., Mencarini, L., Tanturri, M. L. & Begall, K. (2008). "Gender equity and fertility intentions in Italy and the Netherlands". *Demographic research*, 18, 1-26.
- Modena, F. Rondinelli, c. Sabatini, F. (2012). "Economic Insecurity and Fertility Intentions: The Case of Italy". *Review of Income and Wealth*, Volume 60, Issue S1 p. S233-S255.
- Naghibasadat, S.R. (1389). "The role of economic, social and cultural factors in women attitude toward fertility". *Social science Quarterly Book Review*, (36): [In Persian].
- Régnier-Loilier, A., Vignoli, D. & Dutreuilh, C. (2011). "Fertility intentions and obstacles to their realization in France and Italy". *Population*, 66(2), 361-389.
- Samson A. Arekete, Dorcas M. Okewole, Bosede O. Oguntunde, Godspower P. Osilama. (2017). "Impact of Social Networking Media Usage on the Academic Performance of Students of the Redeemer's University". *International Journal Of Engineering Research And Development*, Volume 13, Issue 10: 56-66.
- Smith, Stanley K., Tayman, Jeff, Swanson, David, A. (2002). "State and Local Population Projections: Methodology and Analysis". The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis.
- Suckow, J., Klaus, D. (2002). "Value of Children in Six Cultures". In Nauck, B. & Suckow, J. (Ed.): *Soziale Netzwerke und Generation*.
- Testa, M. R. & Grilli, L. (2006). "The influence of childbearing regional contexts on ideal family size in Europe". *Population*, 61(1), 99-127
- Tintelen, Amke M.G. van, Stulp, Gert. (2024). "Explaining uncertainty in women's fertility preferences". *Journal of Helion*, 10: 1-12.
- United Nations Population Division. (2018). "World Population Prospects: 2017 Revision". United Nations: New York. <https://www.compassion.com/multimedia/world-population-prospects.pdf>
- Weeks, John R. (2002). "POPULATION an Introduction to Concepts and Issues". San Diego State University.
- Wilson, Chris. Pison, Gilles. (2004). "More than half of the global population lives where fertility is below replacement level". *Journal of Population & Societies*, No 405: 1-4.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی